

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ جنوری ۲۰۲۳

طالبان و تغییر مسیر به طرف شرق؟! جان کندن لغمانی و خوراک مغول!*

پنجشنبه- ۱۵ جدی ۱۴۰۱ - کابل: به این دو خبر که به موازات همدیگر امروز از طریق رسانه های داخلی و خارجی پخش شد، توجه نمائید:

۱- امروز نظام ملاسالار قرار داد استخراج نفت حوزه آمو دریا را که کلاً مساحتی در حدود ۴۵۰۰ کیلومتر مربع را در سه ولایت سرپل، جوزجان و فاریاب احتوا می نماید با یک شرکت چینی به امضاء رسانید. قرارداد شرکت چینی ظرف سه سال آینده مبلغی در حدود ۵۴۰ میلیون دالر را در آنجا سرمایه گذاری نموده، برای بیشتر از ۳۰۰۰ کارگر افغان، زمینه کار فراهم سازد ...

۲- بانک جهانی امروز اعلام داشت که در طی یک و نیم سال گذشته یعنی از زمان انتقال قدرت به طالب بدین سو، ۲۹ پروژه ساختمانی و انکشافی و استخراجی آن مؤسسه با ارزش کلی آن رقمی در حدود پنج و نیم میلیارد دالر امریکائی از کار بازمانده و متوقف شده است.
هموطنان گرامی!

هرچند این دو خبر ظاهراً با یک دیگر هیچ ارتباط ندارند، مگر وقتی تاریخ ۴ دهه اخیر و لشکر کشی های پیهمی که جهت غارت منابع افغانستان نخست از جانب شوروی متوفا و به تعقیب امپریالیسم امریکا و شرکاء صورت گرفت و جنگها و ویرانی هائی را باعث شد که نه تنها بیش از ۴۰ سال دوام یافت بلکه بیش از یک میلیون و پنجمصد هزار تن تلفات جانی از جانب افغانها و حدود ۲۰ هزار تن از اشغالگران قربانی را در پی داشت و میلیونها هموطن ما را آواره و در به در ساخت و سرانجام هردو ابر قدرت شکست های مقتضحانه نظامی شان را با گماشتن مهره های زرخیزشان بر اورنگ حاکمیت افغانستان، خواستند به پیروزی سیاسی مبدل سازند و نتیجه را که امروز با عقد قرارداد چند صد میلیونی با یک شرکت چینی می ببینیم، به جز این که بگوئیم، طالب سمت حرکتش را به جانب شرق تعیین نموده نه تنها همان ضرب المثل قدیمی مردم کابل "جان کندن لغمانی و خوراک مغول" حقیقت یافته است، بلکه مصداق کاملی گردیده برای تحقق رباعی ایرج میرزا که می گوید:

دونفر دزد خری دزدیدند سر تقسیم با هم جنگیدند

آن دو بودند چو گرم زدو خورد دزد سوم خر شان زد و برد

هموطنان گرامی!

این را می دانیم که حرکت طالب را در نیمه اول دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی، امریکا، انگلستان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی به وسیله سازمان استخبارات ارتش پاکستان به وجود آورد و بر افغانستان حاکم ساخت، این را هم می دانیم که به بهانه واقعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ آنها را از قدرت برکنار و مستقیماً افغانستان را اشغال نمودند، این را هم می دانیم که ۲۰ سال بعد یعنی در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، بعد از ۲۰ سال تمهیدات همه جانبه با عقد موافقتنامه دوحه، حاکمیت را مجدداً به آنها برگرداند.

این را هم می دانیم که امپریالیسم امریکا و شرکاء در طی ۱۷ ماه گذشته، با تعقیب سیاست در یک دست قمچین و در دست دیگر دالر کوشش نمودند تا طالب را طبق وعده های قبلی از چین و پروژه های بلند پروازانه اش دور نگه دارند، در انجام این کار تا جایی پیش رفتند که دولت قانونی پاکستان را که مطابق میل شان نبود از میان برداشته و به جایش یک دولت کودتائی غیر قانونی را بر دوش مردم پاکستان سوار نمودند، به این هم اکتفاء ننموده در هفته ها و روز های اخیر به هزارویک بهانه ارتش پاکستان را علیه طالب و نظام ملاسالار تحریک نمودند تا مگر جلو نزدیکی طالب با چین را بگیرند، به حساب تلخ ساختن خوراک عملیات علیه مهمانخانه چینی ها را نیز توسط عمال شان انجام دادند، مگر تمام اینها کمترین سودی به حالشان ننموده، امروز طالب با امضای آن قرارداد با دوام و اعتبار ۲۵ ساله، آب سردی روی دست امریکا ریخته، امیدهایش را به باد داد.

هموطنان گرامی!

آنچه در مورد این قرار داد بیشتر قابل دقت است، دو نکته است:

نکته اول این است که تاریخ ۵ دهه اخیر افغانستان واضح و روشن نشان داده است، که زمامداران حاکم هر زمانی که خواسته اند تعهدات شان را زیر پای و سمت حرکت شان را تغییر دهند در آستانه همان تغییر به وسیله یکی از ابرقدرت ها نابود شده اند، نمونه های برجسته آن نابودی "داوود و حفیظ الله امین" در آستانه چرخش به راست از طرف شوروی متوفا و به نابودی کشاندن حاکمیت "ربانی- مسعود" حین چرخش به طرف روسیه از طرف امپریالیسم امریکا می باشد. با در نظر داشت این دو مورد دیده شود که امپریالیسم امریکا آیا به همان اندازه مخالفتی که تا حال در کنار دادن رشوت علیه طالب انجام داده بسنده خواهد کرد و یا از طرق مختلف خواهد کوشید تا سرکردگان طالب را نیز نزد "ربانی- مسعود" بفرستد.

نکته دوم ماهیت این قرار داد غارتگرانه با چین است که از جانب روسها هیچ نوع حساسیتی در قبال آن نشان داده نمی شود. این سکوت نشان می دهد که اگر روسها مستقیماً در قرارداد حصه نداشته باشند، با اطمینان در قسمت انعقاد آن چراغ سبز نشان داده اند.

هموطنان گرامی!

این حرکت طالب در واقع ادامه قراردادهاست که طی دو سال گذشته کشور های منطقه با چین منعقد نموده اند. حرکتی که از عراق علی رغم مخالفت ها و تحریکات اعتراضی امریکا آغاز یافت و به دوام آن با عقد قرارداد دیگری به ارزش ۴۰۰ میلیارد دالر ایران را نیز فراگرفت و اینک کشورهای عربی در پیشاپیش آنها عربستان سعودی و امارات، بی هراس از تهدیدات امپریالیسم امریکا و انگلیس بدان ادامه دادند، در حقیقت با پیوستن طالب و نظام ملاسالار به آن روند، دیده می شود که چین بدون سروصدا و تقریباً بدون تلفات جانی و مالی از مرزهای کشور خودش الی بحیره احمر، کانال سویز و بحیره مدیترانه را در بند پروژه های خود آورده است.

هموطنان گرامی!

هرچند تا هنوز معلوم نیست که آیا این پروژه موفقیت می یابد و یا خیر و در اساس دولت پاکستان باز هم به نمایندگی و دفاع از منافع امریکا در منطقه، به جنگ افروزی هایش در افغانستان ادامه خواهد داد و یا خیر؟ با آنهم می توان گفت در صورت موفقیت این پروژه، چه پاکستان بخواهد و چه نخواهد، برای بار نخست امریکا و انگلیس از منطقه بیرون انداخته می شود. هرچند این کار، کار آسانی نیست مگر طالب و نظام ملاسالار را درماندگی خودش، بی وفائی های امپریالیسم امریکا و همسوئی با حرکت مجموع کشورهای عربی و ادار به قبول چنین ریسکی نموده است.

آن چه در این زمینه برای بقای طالب مهم است حمایت چین، روسیه، ایران و کشورهای عربی از این تصمیم می باشد زیرا در صورتی که اینها بتوانند از طالب حمایت و بقای نظام ملاسالار حمایت نمایند و امپریالیسم امریکا و انگلیس را از منطقه بیرون اندازند، توله سگانش از قماش پاکستان هیچ راهی ندارند مگر این که به دنبال منطقه راه افتاده، دست از تجاوز، ترور و تخریب کشورهای همسایه بردارد، در غیر آن خودش تجزیه خواهد شد. هرگاه جمع کشورهای که از آنها نام بردیم طالب و نظام ملاسالار را در مقابل خشم امپریالیسم زخمی امریکا تنها بگذارند مسلم است که امریکا توسط پاکستان طومار این دزدان را با قرارداد خاینانه و غارتگرانه اش جمع خواهند کرد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

*- من خودم راجع به این ضرب المثل، خاستگاه و دلیل پیدایش آن چیزی نمی دانستم، از همین رو مسأله را با استاد "موسوی" در میان گذاشتم. ایشان گفتند: "احتمالاً این ضرب المثل در قرن ۱۶ یعنی زمانی که بخشهایی از افغانستان کنونی تحت اداره امپراتوری مغولان هند قرار داشت، به وجود آمده باشد. آنهم قبل از آن که شهر جلال آباد بین راه کابل- دهلی به وجود بیاید و تا آنزمان لغمان، محل استقرار نخستین قطعات نظامی ارتش مغولی هند در خاکهای افغانستان کنونی و گذرگاه آنها به طرف کابل بود. یقیناً در آن زمان عساکر حین عبور و مرور، با جبر و زور دار و ندار مردم زحمتکش و مظلوم لغمان را از آنها می گرفته اند به همان اساس این ضرب المثل به وجود آمده است: "جان کندن لغمانی، خوراک مغول". ع. ق.